

شهادت حضرت فاطمه الزهراء (سلام الله عليها)

بیان ویژگی های حضرت زهرا (سلام الله عليها) به عنوان الگویی برای شیعیان

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۴۳/۰۵/۲۷ هجری قمری، مقارن با ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ هجری شمسی

«السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ»

«سلام علیکم ورحمة الله

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ نَيْرِ الْأَعْظَمِ وَتَيِّجَةِ الْعَالَمِ

هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَا نَاحِبِي إِلَهِي الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفِيِّ مُحَمَّدٍ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَعَلَى

إِلَهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَلَعَنُ الدَّائِرَةَ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ أَلَانِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ».

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ (۱)»».

ایام فاطمیه، فاطمیه آخر، ان شاء الله به زودی با نابودی آل سعود، زائر مرقد منورش بوده باشیم. زیارت خود آن حضرت، پدر آن حضرت، فرزندان آن حضرت (نصیب ما بوده باشد)، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

این جا که منبر نیست، ولی گفتند منبری وقتی بالای منبر می رود، معمولاً اینطور است در جلسات که آن یک ربع اول جلسه، مخاطب و مستمع هم گوش می دهد و هم دل می دهد، یک ربع دوم مخاطبین معمولاً گوش می دهند، دل نمی دهند. یک ربع سوم را مخاطب نه گوش می دهد، نه دل می دهد. یک ربع آخر فحش می دهد. ان شاء الله به آن یک ربع آخر نمی رسد، روحانیت معظم فحش خورشان ملس است ولی نه دیگر، این جا که نباید ما فحش بخوریم. در ایام فاطمیه هستیم، قرار است مقداری از زندگی حضرت فاطمه (سلام الله عليها) را با نگاه کاربردی و درس گرفتن مورد توجه قرار بدهیم.

خب مستحضرید، مادر سادات بعد از ارتحال رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) طبق نقل شیعه حداکثر ۹۵ روز عمر کردند، سه ماه و پنج روز. طبق نقل اهل سنت، حداقل شش ماه عمر کردند. آنها می گویند فاطمه (سلام الله عليها) شش ماه زنده بوده است بعد از ارتحال پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ما می گوئیم ۹۵ روز بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زندگی کردند. خیلی این ۹۵ روز متلاطم بوده است و بخش بسیار تاریخ سازی در تاریخ صدر اسلام است. اگر بخواهیم از این سه ماه عملکرد فاطمه (سلام الله عليها) امروزه ما درس گرفته و به مانند او عمل کنیم، نکاتی را در زندگی باید رعایت کرده باشیم. این روایت در تفسیر اطیب البیان نقل شده است که امام عسکری (علیه السلام) فرمودند که ما بر خلق خدا حجت هستیم و مادر ما فاطمه (سلام الله عليها) حجت بر ما است.

«لَمْ يَخُفْ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَجَدَّتْنَا فَاطِمَةَ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيْنَا».

این نشان می دهد چقدر مقام، مقام بلندی است. چه اینکه امام صادق (علیه السلام) فرمودند ما وقتی حاجتی و تقاضایی داشته باشیم که بخواهد در پیشگاه الهی ردخور نداشته باشد، مادرمان را واسطه قرار می دهیم. جمله ای را که من در آغاز سخنرانی بیان کردم را همه تان حفظ هستید ولی کمتر به معنای آن دقت می کنید. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛ فاطمه، مادر سادات، دختر من، فرمود این (خانم) برترین زنان جهانیان است. از این تعبیر بالاتر این تعبیر است که فرمود: «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ (۳)»، فاطمه (سلام

الله علیها) مهتر و برترین زن بهشتی است. چرا این تعبیر بالاتر است؟ چون زنان بهشتی بهترین زنان هستند و آن وقت فاطمه (سلام الله علیها) میان زنان بهشتی بهترین آنها است. خیلی جمله، جمله بلندی است. نیمی از جمعیت عالم از آغاز خلقت زنان بودند، کمیت کمی نیست، الآن نیمی از جمعیت حدود هشت میلیاردی کره خاکی زنان هستند و اینها بسیاری‌شان فرهیخته هستند، همه زنان عالم را که جمع کنید، فاطمه (سلام الله علیها) بهتر آنها می‌شود و لذا است که عملکرد فاطمه (سلام الله علیها) نه فقط برای زنان حجت است، برای مردان هم حجت است و نه فقط برای مردان حجت است، طبق روایت امام عسکری (علیه السلام) فرمود که برای ما اهل بیت (علیهم السلام) هم حجت است. برای امام حسن (علیه السلام) حجت است، برای امام حسین (علیه السلام) حجت است، برای امام زین العابدین (علیه السلام) حجت است. در آن داستان مشهور، حالا اگر از نظر تاریخی درست باشد که اخیراً هم در کشور جنجالی به پا کرد، وقتی اسرای ایرانی را مدینه بردند و خلیفه دوم قصد داشت دختران یزدگرد را بفروشد، امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند که نه، بزرگان یک قوم فروخته نمی‌شوند، آزاد می‌شوند، ازدواج می‌کنند. بعد سراغ شهربانو آمدند، پرسیدند سمت چه است؟ گفت من شاه زنان هستم. حضرت فرمودند که نخیر، شاه زنان فاطمه (سلام الله علیها) است، اشتباه گفتم، تو شهربانو هستی، تو بانوی شهر هستی، نه بانوی زنان، بانوی زنان فاطمه (سلام الله علیها) است. اشاره کردند به «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ».

اشتباهش را تذکر دادند، گفتند که تو شهربانو هستی، یعنی بانوی شهر هستی، فاطمه (سلام الله علیها) است که شاه زنان است. به هر حال عملکرد فاطمه (سلام الله علیها) را من خلاصه می‌کنم در حدی که وقت به من اجازه بدهد و به آن یک ربع آخر نرسد. به روح مطهر فاطمه (سلام الله علیها) مادر همه ما، هدیه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله).
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

۱. اولین درسی که از عملکرد فاطمه (سلام الله علیها) در این ۹۵ روز می‌گیریم، این است که در راه دفاع از دین و ولایت، جنسیت مطرح نیست. یک خانمی بخواهد بگوید که من خانم هستم، به قول قدیمی‌ها مخدره هستم، مخدره یعنی خدرنشین، خانه‌نشین، کار من تربیت فرزند است، من را چه به سیاست، من را چه به اجتماع، من را چه به دغدغه دین داشتن، کاری از دست من بر نمی‌آید، نه چنین نیست. اگر فاطمه (سلام الله علیها) الگو است که الگو است؛ می‌فهمیم در راه دفاع از دین جنسیت مطرح نیست. زن باید به مانند مرد، پایه‌پای مرد، در دفاع از دین خدا اقامه کند و نقش خود را ایفا کند. ما در انقلاب خودمان هم دیدیم، اگر زنان نقششان در پیروزی انقلاب، حفظ انقلاب، بقای انقلاب، بیشتر از مردان نبود، کمتر هم نبود. من تهران متولد شدم، تا قبل از طلبه شدن هم تهران زندگی می‌کردم، روز ۱۷ شهریور در خیابان ۱۷ شهریور تهران، شهباز آن موقع، ایستاده بودیم، ۷ صبح، یک روز بعد از عید فطر، جمعه سیاه، خب ما عقب‌تر بودیم، آنهایی که جلو بودند، خانم‌ها بودند. در کشتار چهار هزار نفری هفدهم شهریور اول انقلاب، اول خانم‌ها شهید شدند و ایستادگی کردند، ایستادند. در جریان جنگ، مادرانی که چهار فرزند شهید، سه فرزند شهید، پنج فرزند شهید و شوهر هم شهید، این درس گرفتن از زندگی فاطمه (سلام الله علیها) است. در راه دفاع از دین و ولایت زن هم باید نقش خود را ایفا کند و زنان ما ایفا کردند و به خوبی ایفا کردند. جنسیت مطرح نیست.

۲. خب، دومین درسی که از زندگی فاطمه (سلام الله علیها) می‌گیریم. زن آنگاه که مورد ستم واقع شود، باید فریاد بزند. می‌دانی صدای زن مقداری محدودیت شنیدن دارد، خب با صدای مردان متفاوت است، باید تلاش کند با صدای او کسانی که مریض‌القلب هستند، تحریک نشوند، گناه در جامعه زیاد نشود، اما همین زنی که بالاخره صدای او محدودیت‌ها دارد، دین خیلی دوست ندارد زن با مرد نامحرم غش‌غش بگوید و بخندد. زمانی که بحث دفاع از دین است و مورد ظلم واقع می‌شود، این آیه قرآن را دست می‌گیرد: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ»^۴. فرمود که خدا داد و بیداد را دوست ندارد، خدا فریاد را دوست ندارد، چرا خدا از دعوی زن و شوهر بدش می‌آید؟ چرا می‌گوید در خانه آرامش باشد؟ چرا به مرد وزن می‌گوید که صدایتان را در خانه بلند نکنید، سر هم داد نزنید؟ خدا از داد و بیداد خوشش نمی‌آید، در صورتی که این داد و بیداد مشتمل بر بدی باشد.

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ»، فریاد زدن و بدی گفتن را، بدی دیگری گفتن را، مگر در یک صورت و آن صورت این است که کسی مورد ستم واقع شود، مورد ظلم واقع بشود. اگر مورد ظلم واقع شد، این جا اجازه دارد فریاد بزند، زن باشد یا مرد باشد. کوری وارد منزل شد، ابن مکتوم، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته است، فاطمه (سلام الله علیها) نشسته است، بالا فاصله خانم بلند شدند و داخل اتاق رفتند. وقتی ابن مکتوم رفت، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به دخترش فرمود که فاطمه جان این که چشم نداشت، نمی دید. فرمود که درست است، اما ما خانم ها گاهی بدنمان بویی دارد، بوی خاصی دارد، نخواستیم از وجود من مرد نامحرم چیزی را احساس کند. عفت را می بینید، این زن با این عفت که فاطمه (سلام الله علیها) است، راه می افتد، لباس می پوشد، مسجد می آید، پرده ای می زند، پشت پرده می ایستد، خدا روزیمان کند مسجدالنبی برویم ان شاء الله، مسجدالنبی در مدینه هنوز قسمت قدیمی اش علامت دارد؛ از طرف شمال ۱۱ ستون است، از طرف جنوب که قبله است، راهرویی است که مردم می روند به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، از طرف مغرب آله و سلم) سلام می دهند، از طرف مشرق ضریح پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، از طرف مغرب هم همانجایی است که این ۱۱ ستون تمام می شود. همین الآن در آن محوطه سه، چهار هزار نفر آدم جا می شود، در مسجد قدیم پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، چون در زمان خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مسجدالنبی دو بار گسترده شد، مسجدالنبی تا الآن ۱۱ بار گسترده شده است، در طول تاریخ، دو بارش در زمان خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده است. در آن مسجدالنبی که چند هزار نفر مرد نشستند، فاطمه (سلام الله علیها) ایستادند، فریاد زدند. بعد تعبیر تاریخ این است، زمانی که سخن می گفتند کأنّ دیوار مسجد هم داشت گوش می کرد و این خطبه در تاریخ به نام خطبه فدکیه نقل شده است. اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند که ما این خطبه را مثل نماز به فرزندانمان یاد می دادیم که حفظ کنند. هم ترجمه آن هست، خیلی هم خطبه شیرینی است. پس از عملکرد فاطمه (سلام الله علیها) می فهمیم زن اگر مورد ستم واقع شد، باید فریاد بزند. علمای ما، مراجع تقلید ما، از آنها سوال شد که آقا زن ها در تظاهرات می آیند، جیغ می زنند، داد می زنند، فریاد می زنند، همخوانی می کنند؛ مراجع فرمودند که هیچ اشکالی ندارد. هم آیه داریم، «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ»، هم سیره فاطمه (سلام الله علیها) را داریم، سیره مهتر زنان را داریم که زن فریاد می کشد.

۳. درس سوم، این درس گرفتن ارتباط با خانم ها ندارد، مربوط به همه است. انسان در راه دفاع از ولایت شایسته است، بایسته است، از همه چیزش مایه بگذارد. دیدید، بعضی ها دینداریشان تا وقتی است که حالا فشار اقتصادی خیلی به آنها فشار نیارود؛ یک ذره فشار زیاد می شود، حالا این چه وضعی است، این تورم چه کار کرده است، سفره مردم کوچک شده است، ما بدبخت شدیم، باید برویم آن طرف آب زندگی کنیم. خب این تلورانس است، فشار را این قدر تحمل می کند. بعضی ها یک ذره بالاتر، حالا فشار در حد ضرب و جرح شد، خواست در راه دین خدا یک سیلی بخورد، می بینی باز هم نیست. از این بالاتر، کسانی را داشتیم که در طول جنگ، بیش از ده سال، دوازده سال اسیر بودند. اول اول جنگ اسیر شده بودند، ده سال زندان بعضی ها را هم تحمل می کند. خب، ما این را در عملکرد فاطمه (سلام الله علیها) می بینیم. فاطمه (سلام الله علیها) در راه دفاع از دین و ولایت یک، از آرامش خود گذشت، در این ۹۵ روز خانم آرامش نداشت، خانه اش تیمی شده بود، تمام اپوزیسیون، تمام مخالفان، سردمداران مخالفان آن جا بودند؛ سلمان بود، ابوذر بود، مقداد بود، یک لحظه آن خانه، خانه آرامش نبود، تنها سنگر باقیمانده در مدینه همین سنگر بود. شاید برای شما جالب باشد، ما خیال می کنیم در جریان غصب خلافت دستان امیرالمومنین (علیه السلام) را بستند، کشیدند و بردند مسجد؛ همین. نخیر، تاریخ می گوید ده ها نفر را دست بستند و بردند و بیعت گرفتند؛ ده ها نفر را زندان کردند، کتک زدند. سقیفه یک کودتا بود، کودتای شمشیری، ما ننوشتیم، اهل سنت نوشتند، یعنی طبری نوشته است، این اثیر نوشته است، الاخبار الطوال نوشته است؛ مستندات قابل نادیده گرفتن نیست. در راه دین آرامشش رفت.

دو، مالش رفت، فدک مال حضرت بود. مرحوم سید بن طاووس فرموده است که فدک سالیانه درآمدش ۲۴ هزار دینار بود، برگردان کنم، ۲۴ هزار سکه تمام بهار آزادی. طلا فروش که الحمدلله نداریم، سکه چند شده است آقایان؟ سیزده میلیون؟

ریاضی من هم ضعیف است، ۲۴ هزار در ۱۳ میلیون تومان و عجیب است امام صادق (علیه السلام) فرمود که زندگی فاطمه (سلام الله علیها) قبل و بعد از فدک هیچ تغییری نکرد. خانه همان خانه ۱۲ متری، همان دیوارهای گلی، همان سقف برگ درختان خرما، همان چیزی که زیرانداز داشتند، همان کاسه و کوزه سفالی، زندگی همان بود. من در آشنایان خودم داشتم، کسانی که از دور می‌شناختیم، مثلاً بولوار طبرسی مشهد می‌نشسته است، دری به تخته خورده، ثروتی پیدا کرده است، احمدآباد آمده است؛ اسم بچه‌هایش را عوض کرده است، زینب را سولماز کرده است، غلامعلی را داریوش کرده است، خب چه خبر است؟

دو کیلومتر فاصله است، کل این کره زمین ما نسبت به آسمان اول هیچ است، یک نقطه نیست، یک نقطه هم نیست. دو کیلومتر از این طرف شهر آمدی این طرف شهر، تمام دین و ایمان و چادر و حجاب رفت؛ ترانه و سگ و مشروب آمد. این سینمای هندی را ببینید، سه نسل است دارند در آمریکا زندگی می‌کنند، قیافه همان قیافه است، عقاید همان عقاید است، افکار همان افکار است، یعنی ایستاده است. خب، فاطمه (سلام الله علیها) مالش رفت، این ۲۴ هزار دینار رفت، با زور رفت، ۲۱ نفر خانم در آن سرزمین کارگزار داشت، سرزمین حاصل خیز، اینها را زدند و از فدک بیرون کردند. هر چه هم تلاش کرد که این مال را برگرداند، چون این مال را پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه (سلام الله علیها) داده بود که کسی به آن دست‌درازی نکند، بشود مالی که در راه دفاع از ولایت استفاده بشود که کردند، یعنی پیشبینی پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تحقق پیدا کرد. به علی (علیه السلام) نداد، به حسنین (علیهما السلام) نداد که بگویند اینها بچه هستند، به فاطمه (سلام الله علیها) داد، آن هم به دستور خدا، آیه نازل شد «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»^۵. پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از جبرئیل پرسید این آیه یعنی چه؟

فرمود که خدا سلام می‌رساند، می‌گوید: «أَتِ فَاطِمَةَ فَدَكًا»، فدک را به فاطمه (سلام الله علیها) بده، دستور خدا بود، آن هم برای اینکه مسائل مالی نهضت فاطمی تأمین شود. دشمن هم خوب فهمید، آنها هم سیاست می‌فهمیدند، آنها هم می‌فهمیدند مال اگر باشد، ثروت اگر باشد، تولید قدرت می‌کند و از نظر قواعد ظاهری درست گرفتند، نمی‌گرفتند مشکل پیدا می‌کردند، مالش را از دست داد. سوم، آبرویش را وسط گذاشت، فاطمه‌ای که ناراحت بود. اسماء می‌گوید پرسیدم که خانم چرا ناراحت هستی؟

فرمود که من به زودی می‌میرم، تابوت‌های مدینه دیواره ندارد، جنازه من را در این تابوت بگذارند، ممکن است بدن من دیده بشود، من ناراحت هستم. عفت را ببینید. اولاً مرده تکلیف ندارد، ثانیاً حجم بدن حرمت ندارد، طبق نظر خیلی از فقها، مبادا از زیر دو، سه لایه کفن، بخواهد حجم بدن دیده شود. این قدر عقیف است، آن هم بعد از مرگ. حالا این خانم ۴۰ شب سوار استر شده است، امیرالمومنین (علیه السلام) او را بر در خانه مهاجرین و انصار برده است، از استر پایین آمده است، داخل خانه رفتند، نشستند، «فَذَكَّرْتَهُمْ حَقَّ عَلِيٍّ»، غدیر چه شد؟

چه کار دارید می‌کنید؟

می‌دانید دارید چه می‌کنید؟

۴۰ شب پیش تک‌تک سران مهاجران و انصار، یعنی آبرو را انسان کف دستش بگذارد، عرض را کف دستش بگذارد، در راه خدا، خب این جایش را دیگر بگذرم، چون شنیدید.

چهارم، در راه دین خدا فرزندش را از دست داد، محسن (علیه السلام) را از دست داد، سلامتی‌اش را از دست داد، بازویش را، آبرویش را، رنجور شد. تاریخ می‌گوید که فاطمه (سلام الله علیها) از نظر بدنی مانند پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) قوی‌هیکل بودند، بلند قامت بودند، چهارشانه بودند؛ فاطمه (سلام الله علیها) قوی‌هیکل بود، چهارشانه بود، بلندبالا بود. دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) رنجور شد، سلامتی‌اش را از دست داد.

در آخر جاننش را کف دستش گذاشت، این درس است برای من و شما. خدا مرحوم امام را رحمت کند، دو تا جمله از او داریم خیلی شیرین است، یک جمله فرمود که همه مقصد ما، مکتب ما است، دین ما همه چیز ما است، اعتقادات ما همه چیز ما است. باید هم همینطور باشد. یک جمله کاریکاتوربست بی‌دین غیرانسان در مورد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) کشید، تمام جهان اسلام به هم ریخت، چند سال است زندگی مخفیانه دارد؟

زنش طلاق گرفت، فامیلش او را رها کردند، تغییر چهره داد، از سایه خود می ترسد، سلمان رشدی، اعتقادات ما قابل دست اندازی نیست. فرمود که همه مکتب ما مقصد ما است و همه مقصد ما مکتب ما است؛ مرحوم امام فرمودند. یک جای دیگر فرمود که اگر مستکبرین بخواهند در مقابل دین ما بایستند، در مقابل همه دنیای آنها می ایستیم؛ این را از فاطمه (سلام الله علیها) یاد گرفتیم.

پس در درس سوم، مثل فاطمه (سلام الله علیها) باید خودمان را آماده کنیم؛ آماده فدا کردن همه چیز در راه دین خدا، کاری که امام حسین (علیه السلام) کرد، کاری که امام رضا (علیه السلام) کرد، کاری که فاطمه (سلام الله علیها) کرد، کاری که خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله) کرد، کاری که امیرالمومنین (علیه السلام) کرد، در جنگ احد، هفتاد تا زخم به بدن علی بن ابیطالب (علیه السلام) وارد شد که بی بی دو عالم می خواست این زخمها را به هم بدوزد، دوخته نمی شد، پاره می شد، از بس به هم نزدیک بود.

۴. خب، درس چهارم، داریم درس های زندگی فاطمه (سلام الله علیها) را عرض می کنیم. از فاطمه (سلام الله علیها) می آموزیم که در فتنه باید

(آ) بصیر بود

(ب) آینده را دید

(ج) به هنگام عمل کرد

فتنه اسم دیگرش امتحان است، آزمون، فرق هم نمی کند مرد یا زن باشد، در فتنه ها انسان باید بصیر باشد، آینده را ببیند و به هنگام عمل کند. چند روزی از غصب خلافت نگذشته بود، من عبارت خانم را بخوانم: «أَمَّا الْعَمْرِي لَقَدْ لَقِحتْ فَنظِرَةٌ يَثْمَانْتَجُحُ»، فرمودند که شتر خلافت تازه آستن شده است، یک ذره صبر کنید، بزاید، ببینید چه می زاید!

چه می زاید؟

«ثُمَّ احْتَبَأُوا مِلَّةَ الْقَعْبِ دَمَا عَيْطًا»، چیزی نمی گذرد که این شتر ماده، شتر خلافت، شیر می دهد، شیرش خون است.

«وَدُعَا فَا مَبِيدًا»، سم کشنده است.

«هُنَالِكَ يَحْسُرُ الْمُبْطُلُونَ»، آن جا شما می فهمید که چه خبر است.

امام حسین (علیه السلام) سال ۶۱ هجری شهید شده است، یعنی از ارتحال پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ۵۰ سال گذشته است، ۵۰ سال، در فاصله ۵۰ سال، بیابند روبروی پسر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بایستند، آنطور که ۱۸ نفر را در یک روز از خاندان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) سر ببرند؛ فاطمه (سلام الله علیها) اینها را می بیند. چند سال بعدش، جناب عبدالملک سلطان شده است، ۱۲۰ هزار نفر در زندان او در کوفه بودند، غذایشان خاکستر و خون، با خاکستر و خون دلمه شده نان درست می کردند، به آنها می دادند که بخورند. زن و مرد برهنه، زیر آفتاب عراق (بودند). همین عبدالملک از مشروب استخر درست کرده بود، شراب قرمز، در او می افتاد و می خورد و می خورد، به نوکرانش گفته بود که من را وقتی بیرون بکشید که ولو این یک میلی متری کم شده باشد. اینها را دارد فاطمه (سلام الله علیها) می بیند. زمان امام سجاد (علیه السلام) یک خواننده زن از مدینه می خواست مکه برود. آن موقع خواننده ها یک مقدار دین داشتند، مکه می رفتند، حالا که آنتالیا و اروپا می روند، فرق کرده است. نوشتند ۳۶ خواننده زن و مرد پشتش راه افتادند که بدرقه اش کنند. در مدینه، مدینه آن زمان یعنی قم امروز ما، اینها را دارد فاطمه (سلام الله علیها) می بیند.

آن آپارتاید طبقاتی که حالا بدریین چقدر بگیرند، احدی ها چقدر بگیرند، تا به موالی برسند، ما ایرانی ها را موالی می گفتند. در زمان خلیفه دوم به ما ایرانی ها از بیت المال دو درهم می دادند، به بدریین ده هزار درهم می دادند که امیرالمومنین (علیه السلام) وقتی خلیفه شد، خواست این رسم را بشکند، جنگ جمل پیش آمد، طلحه و زبیر و عایشه قیام کردند چون نتوانستند شکستن آپارتاید را بریتابند. فاطمه (سلام الله علیها) دارد اینها را می بیند. فرمود که این شتر خلافت تازه حامله شده است، بگذارید بزاید، ببینید چه برای شما می زاید. انسان اگر فاطمی است، باید بصیر باشد، یعنی چه؟

یعنی باید آینده را ببیند، به هنگام تصمیم بگیرد. ما سوریه رفتیم، عراق رفتیم که با داعش بجنگیم. مدام به

آقای خامنه‌ای گفتند که این چه کاری است؛ این همه می‌خواهید خرج کنید، حالا چرا می‌خواهید بشار اسد را نگه دارید، چرا می‌خواهید حکومت عراق را نگه دارید؟

آقای خامنه‌ای فرمودند فتنه را باید به وقت شناخت، به وقت کور کرد؛ سوریه و عراق بهانه است. الآن خاطرات هیلاری کلینتون چاپ شده است. در خاطراتش نوشته است که من برای اینکه این گروه را در دنیا جا بندازم، به ۱۲۰ کشور سفر کردم و دولتی که ما می‌خواستیم به اسم داعش تشکیل دهیم؛ آن دولت بزرگ‌تر از سوریه و عراق بود و آن دو دولت را می‌بلعید و ما قصد داشتیم با این دولتی که زیر گوش ایران تأسیس می‌کنیم، کار نظام اسلامی را جمع کنیم. اینکه انسان مانند شهید سلیمانی به وقت بفهمد، مانند شهید سردار همدانی، بفهمد که دارد چه می‌گذرد، آینده را ببیند و به هنگام عمل کند، درست عمل کند، به هنگام عمل کردن، این درس نهضت فاطمی است. این جمله را از مقام معظم رهبری من خدمت شما عرض کنم، ایشان فرمودند که خیلی‌ها بعد از سیدالشهداء (علیه السلام) حسینی شدند، توابین، یالثارات الحسین، چندین گروه، بعضی‌ها را ما نمی‌شناسیم، چرا نمی‌شناسیم؟

مثلاً شهدای فخر را نمی‌شناسیم، نهضت مختار، حالا به برکت این سریال مختار یک مقداری شناختیم، قبل از آن نمی‌شناختیم، چرا؟

آقا فرمودند به این خاطر است که اینها عمل کردند، به وقت عمل نکردند، به هنگام عمل نکردند، سرچایش عمل نکردند. وقتی حسین (علیه السلام) فرمود «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي»، اینها خواب بودند. بعد سر قبر اباعبدالله آمدند، توبه کردند، شمشیر برداشتند، کشتند، قیام کردند ولی اثر را نکرد که آن ۷۲ نفر اثر کردند. فاطمه (سلام الله علیها) به وقت عمل کرد، درست عمل کرد.

۵. درس پنجم، از فاطمه (سلام الله علیها) می‌آموزیم که برای گرفتن حق انسان باید تا آخر بایستد، قرآن می‌گوید «كَانَ هُمْ يُبَيِّنُانُ مَرَّضُوصٌ ۶»، محکم (باشد). اگر نایستیم بلعیده می‌شویم. ۴۳ سال است که بر ما فشار است، اگر نایستاده بودیم سال اول انقلاب کار تمام بود. ما سال اول، دوم، سوم انقلاب دوازده کودتا داشتیم، یکی‌اش کودتای نوژه بود؛ دوازده تا کودتا در نطفه خفه شد. اگر نمی‌ایستادیم این امنیت و آزادی را نداشتیم، این آقایی را نداشتیم، این تأثیرگذاری را نداشتیم، این آقایی را نداشتیم. ۴۰ سال است در تمام خبرگزاری‌ها خبر اول دنیا هستیم، ما که جهان‌سومی هستیم، خبر اول دنیا هستیم، شش تا کشور را عملاً داریم مدیریت می‌کنیم. یمن را ما داریم مدیریت می‌کنیم، لبنان را داریم ما مدیریت می‌کنیم، سوریه را داریم ما مدیریت می‌کنیم، عراق را داریم ما مدیریت می‌کنیم. حیدر العبادی رأی نیاورد، من مصاحبه‌اش را خواندم، گفت که تنها عاملی که من رأی نیاوردم این بود که ایران نمی‌خواست من رأی بیاورم، یعنی تأثیرگذار هستیم؛ اگر نایستاده بودیم کار به این‌جا نمی‌رسید. فاطمه (سلام الله علیها) ایستاد. این نکته برایتان قابل توجه است، خب در روضه‌ها معمولاً می‌گویند بی‌بی دو عالم غصه خورد و اذیت شد و اشک ریخت، اینها درست است. هیچکس نمی‌گوید که همین زن ۱۸ ساله در این ۹۵ روز، سه مرتبه اشک خلیفه اول را درآورده است، طرف را به گریه انداخته است. کاری کرده است، رفته روی منبر نشسته است، گفته است: «أَقِيلُونِي لَسْتُ بِخَيْرِكُمْ وَعَلَيْ فَيْكُمُ ۷»، دست از سر من بردارید، من بهترین شما نیستم؛ علی بین شما است. این تأثیر کار فاطمه (سلام الله علیها) است، این ایستادگی روی حق، البته این را هم می‌دانیم که ایستادگی همیشه هزینه دارد، مثل فارسی ما چه است؟

هر که طاووسی خواهد، جور هندوستان کشد. من بچه بودم، در مدرسه‌ای در تهران درس می‌خواندم، یکی از شعرهایی که ما زنگ تفریح می‌دادیم، دست‌جمعی دم می‌گرفتیم با بچه‌ها این بود که می‌گفتیم:

ایران آفتابه‌ساز است، اروپا آپولو می‌سازد، ۴۵ سال است من در ذهنم مانده است. حالا می‌خواهیم موشک نقطه‌زن بالستیک بسازیم، نقطه‌زن بالستیک، می‌خواهیم ۱۴ سال است که از نظر موشکی در منطقه اول باشیم، می‌خواهیم در نانو تکنولوژی اول باشیم، می‌خواهیم در ژاندارم منطقه بودن اول باشیم، می‌خواهیم این‌جا سوار کشتی بنزین کنیم، ونزوئلا پیاده کنیم، آمریکایی‌ها در دلشان جیغ بزنند، هیچ غلطی نتوانند بکنند. از این‌جا بنزین سوار کنیم، لبنان پیاده کنیم، هیچ غلطی نتوانند بکنند، هزینه دارد، هر رشدی هزینه دارد، هر تکاملی هزینه دارد و ملت ایران این هزینه را پذیرفته است، شاهدش هم تشییعی است که ملت، ۳۵ میلیون نفر، از جنازه شهید سلیمانی داشتند.

۶. ششمین درسی که از زندگی فاطمه (سلام الله علیها) می‌گیریم این است که برای جبهه حق باید کارهای ماندگار کرد، نباید انسان به کارهای مقطعی اکتفا کند. ببینید یک کاری که فاطمه (سلام الله علیها) کرده است، ۱۴۰۰ سال حدوداً است، ۱۴۰۰ سال کمتر گذشته است، هنوز که هوز است ما می‌توانم به آن استناد کنیم، این است. ما مدینه می‌رویم، می‌گوییم قبر زنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کجاست؟ می‌گوید این جا است، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹.

می‌گوییم قبر دختران پیامبر کجا است؟ می‌گوید این جا در بقیع است، ۱، ۲، ۳. می‌گوییم قبر عمه‌های پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کجاست؟ می‌گوید این جا کنار قبر ام‌البنین (علیها السلام) است. تا می‌گوییم که قبر فاطمه (سلام الله علیها) کجا است؟

پشت سرش را می‌خاراند. چقدر این زن فهیم است، کارهای ماندگار کرده است، یعنی کاری کرده است که من بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز می‌توانم به آن کار استناد کنم که در صدر اسلام این انحراف پیش آمد، حق خانه‌نشین شد، باطل بر کرسی نشست و از فاطمه (سلام الله علیها) درس بگیریم. مرحوم امام خیلی خیلی سرش شلوغ بود، اواخر عمر همه کارها را تعطیل کرده بود، هر چه به ایشان مراجعه می‌شد، می‌گفت که کار دارم، وقت ندارم، چه شد؟

یک وصیت‌نامه بیرون آمد، این شد کار ماندگار، الآن منشور حفظ انقلاب ما وصیت‌نامه مرحوم امام است، کار ماندگار شده است. خدا شهید سلیمانی را رحمت کند، قبل از شهادتش در یک مجلسی که سران سپاه بودند، این اخیراً نقل شده است، تا قبل از این دو ماه ما این جمله را نداشتیم، دو ماه پیش یکی از سرداران نقل کرد. گفت در جلسه‌ای که نشسته بودیم، سردار سلیمانی فرمودند که غم نخورید، در شش تا کشور، شش تا ارتش برای شما ساختم، شش تا ارتش. بارک الله، این را کار ماندگار می‌گوییم، این را ما از فاطمه (سلام الله علیها) یاد گرفتیم. ما در راه مبارزه، در راه ترویج حق باید تلاشمان بر این باشد که کارهای ماندگار کنیم، صحبت‌های مقطعی انجام ندهیم. من صحبت‌های یواش‌یواش تلخیص کنم.

۷. هفتم، در مبارزه، در اوج احساس، در اوج شور از جزئیات شرع و دین نباید غافل بشویم، این را بیشتر خانم‌ها توجه کنند. در اوج احساس، ببینید خانم را زدند، بچه‌اش را سقط کردند، مالش را گرفتند، درب خانه‌اش را سوزاندند، یعنی ظلمی نبوده است که نشود، حالا چون سیاست‌مدار هستند، می‌خواهند تاریخ بنویسند، می‌خواهند تاریخ را درست بنویسند؛ اولی به دومی گفت که ما فاطمه (سلام الله علیها) را ناراحت کردیم، ایشان هم دارد می‌میرد، اگر او را راضی نکنیم، این پرونده سیاه برای ما می‌ماند، برویم او را راضی کنیم. تاریخ را بنویسیم؛ بگویند که یک دعوایی بوده است، درست شد. الآن خیلی از اهل سنت می‌گویند، می‌گویند که درست شد، فاطمه (سلام الله علیها) ناراحت شد، ولی بعد از اول و دومی گذشت.

در خانه آمدند، در زدند، اجازه گرفتند، راه ندادند. فردا آمدند، در زدند، اجازه گرفتند، راه ندادند. بار سوم آمدند در زدند، اجازه گرفتند، راه ندادند. امیرالمومنین (علیه السلام) را در مسجد دیدند، رو کردند به امیرالمومنین (علیه السلام)، تعبیر از من است، گفتند یا علی فاطمه دو تا شخصیت دارد، یک شخصیت حقیقی و یک شخصیت حقوقی، شخصیت حقوقی‌اش این است که دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، مریض هم هست، ما می‌خواهیم به عیادتش بیاییم، راه نمی‌دهد، کاری بکن. حضرت فرمودند که باشد من برایتان اجازه می‌گیرم، وقت می‌گیرم. خب، امیرالمومنین (علیه السلام) از مسجد بیرون آمدند، این دو نفر راه افتادند، می‌خواهند نقد را بچسبانند. دم در خانه علی بن ابیطالب (علیه السلام) آمدند، ایستادند، امیرالمومنین (علیه السلام) وارد شد. مادر در بستر افتاده است، روزهای آخر است، علی (علیه السلام) می‌گوید که رو به فاطمه (سلام الله علیها) کردم، گفتم فاطمه‌جان این دو نفر می‌خواهند عیادت بیایند، اینطوری هم نگفتند، اول شروع کردند یک مدحی از فاطمه گفتن، آقایان یاد بگیرند تعامل باخانم‌ها را، یک کار سختی از خانم می‌خواهی، اول یک مقداری توصیف کن، مدح و ثنا کن، آماده‌اش کن. یک مدحی از خانم کردند، بعد فرمودند که فاطمه‌جان تو آزاده‌ای، تو دختر پیغمبری، تو بزرگ زانی، این دو نفر من را واسطه کردند که به دیدن شما بیایند. حضرت فرمودند که من با اینها صحبت نمی‌کنم، با اینها حرف نمی‌زنم، دیدار نمی‌کنم «إلی یوم القیامة».

خب، دلت پیش من باشد که چه می‌خواهم بگویم، یک جمله امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند، فاطمه

(سلام الله علیها) چون دین دارد، چون در اوج مبارزه جزئیات را از دست نمی‌دهد، حواسش به جزئیات است، دین دارد. تمام ورق برگشت، جمله این بود، امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود که ولی من به اینها قول دادم و اینها الآن دم در هستند، تا جمله این شد که من به اینها قول دادم و اینها دم در هستند، جمله‌ای که تاریخ نقل کرده است، این است، فاطمه (سلام الله علیها) دو جمله فرمود، فرمود: «يَا عَلِيُّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ»، خانه، خانه شما است، مالک این خانه شما هستی، من نیستم. «وَالْحَرْبُ أَمْتُكَ ۸»، این خانمی که الآن گفتی آزاده است، کنیز تو است، عبد تو است. خیلی سنگین است، یک کسی شمای خانم را زده باشد، بچه‌ات را سقط کرده باشد، در خانه‌ات را سوزانده باشد، مالت را خورده باشد، آبرویت را گرفته باشد؛ حالا می‌خواهد بیاید، ان هم می‌خواهد بیاید که تاریخ‌سازی کند، از سر اخلاص نیامده است، می‌خواهد رفع و رجوع کند، اجازه دادند. این نکته است، ما باید در اوج مبارزه و احساس بتوانیم دیانت خود را حفظ کنیم، بتوانیم تدین خودمان را داشته باشیم، بتوانیم متدین باشیم. در زندگی مشترک خیلی پیش می‌آید. خب حالا امیرالمومنین (علیه السلام) این دو نفر را آوردند، آن داستان مشهور که ایشان سلام کردند، فاطمه (سلام الله علیها) جواب ندادند، یکی از ادله ما است، ما می‌گوییم که جواب سلام مسلمان دادن واجب است، اگر جواب سلام داده نشد، آن هم از جانب یک امام معصوم، ما می‌فهمیم طرف اسلامش مشکل دارد. جواب سلام واجب است، اینها هم پدرزن‌های پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند، آدم‌های کمی نبودند. جواب سلام نداد، روبروی صورت فاطمه (سلام الله علیها) ایستادند، صورت را به دیوار برگرداند، دور زدند بستر را باز روبروی صورت حضرت آمدند، باز حضرت صورتش را برگرداند. دور زدند و آمدند روبروی صورت، حضرت فرمودند به امیرالمومنین (علیه السلام) که صورتم را پوشان. حضرت صورت را پوشاندند و آن جمله معروف، آمدند حرف بزنند، حضرت گفتند ساکت. اول یک سوال می‌کنم، جواب بدهید، حرف می‌زنم، جواب ندهید، حرف نمی‌زنم.

گفتند که بگو دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم). گفتند که از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدید که فرمود: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ أَحَبَّهَا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي ۹». فاطمه پاره تن من است، چیزی او را ناراحت کند، من را ناراحت می‌کند، چیزی او را خوشحال کند، من را خوشحال می‌کند.

گفتند: «بَلَى سَمِعْنَا»، ما این را شنیدیم، چند بار هم شنیدیم، دیگر با اینها حرف نزد، فرمود که خدایا تو شاهد باش که اینها من را اذیت و آزار کردند و خوشحال نکردند و من بر علیه شما تا وقتی زنده هستم، بعد از هر نماز نفرین می‌کنم و ملاقات تمام شد. بعد از این ملاقات بود که اولی بالای منبر رفت، گریه کرد، داد زد «أَقِيلُونِي، أَقِيلُونِي»، دست از سر من بردارید. خب، ببینید این رعایت جزئیات است. من مواردی که نوشتم بیش از اینها است که به همین مقدار بسنده کنیم، ظاهراً روز اول جلسه شما است و اولین جلسه ما است، یک چند دقیقه‌ای هم از وقت من هنوز هست. حالا که از فاطمه (سلام الله علیها) گفتیم، دو کلمه هم عرض توسلی به ساحت حضرت داشته باشیم.

۸. این درس را بگویم و بعد هم عرض توسل ما باشد. از زندگی فاطمه (سلام الله علیها) بیاموزیم که در راه خدا باید اخلاص داشت، کار را باید برای خدا خالص کرد. خدا شهید سلیمانی را رحمت کند، اخلاص داشت، من این جمله را از شهید سلیمانی خیلی جاها نقل کردم، ایشان می‌فرمودند که باید این مهارت را کسب کنیم که دیده نشویم، چون آن کسی که باید ببیند، می‌بیند. درست است، باید این مهارت را کسب کنیم که دیده نشویم. مقام معظم رهبری می‌فرمودند که در جلسات باید دنبالش می‌گشتیم، یک ستونی پیدا می‌کرد، یک فرورفتگی پیدا می‌کرد، آن‌جا برود که اصلاً دیده نشود. فرمود آن کسی که باید ببیند، می‌بیند و دید، ۳۵ میلیون نفر تشییع جنازه‌اش آمدند، همه سوختند. اخلاص را از فاطمه (سلام الله علیها) یاد می‌گیریم.

تاریخ نوشته است، دلتان آماده است، ایام فاطمیه هم هست، من هم دو کلمه عرض توسل، تاریخ نوشته است وقتی صورت بی‌بی سرخ شد، دقتش این بود که این صورت را حتی شوهر هم نبیند، با خدا معامله کرده بود، در راه خدا و ولایت سیلی خورده است. صورت در راه ولایت سرخ شده است، تلاشش این است طوری این روسری را بندد که حالا امیرالمومنین (علیه السلام) هم نبیند. طوری خانه را مدیریت کند که این ضعف را علی (علیه السلام) هم احساس نکند.

دو، سه روز یه شهادتش مانده بود، اسماء می گوید که دیدم حال خانم بهتر است، بلند شد یک مقداری نان پخت، لباس های بچه ها را شست، خانه را گردگیری کرد، گفتند خانم شما مریض هستید، فرمود که نه، این خانه به زودی بی مادر می شود، یک مقداری خانه تمیز باشد مدتی بعد از من.

مبادا باغبانی در بهاران	خزان نخل بارآور ببیند
چه حالی دارد آن مرغی که از جفت	بجا در لانه مشتت پر ببیند
وز آن جانسوزتر احوال مرغی است	که جای لانه، خاکستر ببیند
هزاران بار اجل بر مرد خوشتر	که سیلی خوردن همسر ببیند
چه حالی می کند پیدا خدایا!	اگر این صحنه را، حیدر ببیند؟
ولی از روی مولا شرم دارد	که مسمارش به خون اندر ببیند
چه سان مولا ازین پس خانه خویش	تهی از دخت پیغمبر ببیند؟
نهان کن چادر و سجاده اش را	مبادا زینب مضطر ببیند

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ»

خدای به حق فاطمه (سلام الله علیها) دست ما را بگیر.
بهترین ها را در طول عمر نصیب ما بفرما. در فرج منتقم خون اهل بیت (علیهم السلام) تعجیل کن.
خدایا آنچه به خوبان درگاہت دادی، به ما هم عنایت کن.
رهبر معظم انقلاب موید و منصور بدار.
بارالها، پروردگارا، شر دشمنان، آمریکا، اسرائیل، انگلیس خبیث، داعشی ها، سلفی ها به خودشان بازگردان.
اسباب استغال و ازدواج جوانان ما را فراهم بفرما.
خدایا ایام فاطمیه است، روزی اشک و معرفت بر ما ارزانی بدار.
خدایا تمام گرفتاری ها از جهان اسلام، جهان شیعه به لطف و کرمت برطرف بفرما.
گذشتگان، شهدا، امام راحل، سر سفره کرمت میهمان کن.
آنچه خواستیم، نخواستیم، صلاح ما در آن است، در خور کرمت برای ما مقدر بفرما.
انشاء الله حاجات شما برآورده، زیارت شما مقبول، به روح مطهر دردانه عالم، سیده النساء، فاطمه الزهراء (سلام الله علیها)، هدیه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

فهرست منابع

۱. الأُمالي للصدوق: ۱۷۵ / ۱۷۸.
۲. طیب، سیدعبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۲۵، انتشارات اسلام - تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۳. مسند ابن حنبل: ۳ / ۸۰.
۴. سوره نساء، آیه ۴۸.
۵. سوره اسراء، آیه ۲۶.
۶. سوره صف، آیه ۲۴.
۷. فقیه ایمانی، مهدی، الأمام امیر المومنین علی علیه السلام از دیدگاه خلفا، ص ۵۸.
۸. بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۳۰۳؛ دلائل الأئمة، ج ۱، ص ۱۴.
۹. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، جلد ۳، صفحه ۳۰.